

فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۵۴، بهار ۱۳۸۹، ۱۰۹ - ۸۷

بررسی تاثیر جهانی شدن بر توزیع درآمد در کشورهای عضو گروه دی هشت

دکتر رضا نجارزاده * الهام مهدوی راسخ **

پذیرش: ۸۸/۹/۱

دریافت: ۸۸/۵/۱۷

جهانی‌شدن / توزیع درآمد / ضریب جینی / باز بودن تجاری / سرمایه‌گذاری مستقیم
خارجی

چکیده

تبیین ارتباط متقابل بین جهانی شدن و توزیع درآمد از موضوعات چالش‌برانگیز در عرصه اقتصاد می‌باشد و بررسی و ارزیابی اثرات توزیعی منافع جهانی شدن به ویژه در کشورهای در حال توسعه لازم و ضروری می‌باشد. لذا در تحقیق حاضر، تاثیر جهانی شدن بر توزیع درآمد در کشورهای عضو گروه دی هشت را مورد مطالعه قرار داده‌ایم. شاخص باز بودن تجاری به عنوان شاخص جهانی شدن و ضریب جینی به عنوان شاخص توزیع درآمد در این مطالعه مورد استفاده قرار گرفته‌اند. با بهره‌گیری از آخرین آمار موجود برای کشورهای عضو گروه دی هشت و نیز با استفاده از روش داده‌های پانل طی دوره ۱۹۹۵-۲۰۰۴ به آزمون تجربی ادبیات موضوع پرداخته شده است. با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که آزادسازی تجاری طی دوره مورد بررسی منجر به بهبود توزیع درآمد و کاهش نابرابری در کشورهای مورد نظر شده است.

طبقه‌بندی JEL: F02، I38.

مقدمه

جهانی شدن به صورت یک نیروی مسلط در عصر حاضر روابط مبتنی بر وابستگی متقابل ملت‌ها و دولت‌ها را شکل داده و فرصت‌ها و چالش‌های جدیدی را برای کشورهای مختلف از طریق آزادسازی اقتصادی، سرمایه‌گذاری خارجی، گردش سرمایه، تبادل اطلاعات، تغییرات تکنولوژیک و... ایجاد کرده است. جهانی شدن پدیده‌ای چند بعدی و قابل تسری در ابعاد گوناگون اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی، نظامی، فن‌آوری و همچنین عرصه‌های دیگری چون محیط زیست است.^۱ طبق تعریف بانک جهانی، پدیده جهانی شدن منجر به آزادی و توانایی افراد و بنگاه‌ها در تعامل اختیاری در معاملات اقتصادی با شهروندان سایر کشورها می‌شود. شاید بتوان گفت رشد سریع و بی‌سابقه فعالیت‌های اقتصادی بین کشورها در سال‌های اخیر از پیامدهای جهانی شدن است و گرایش کشورها به این پدیده، منجر به تاثیر پذیری اقتصاد تمامی کشورهای جهان اعم از موافق و مخالف شده است. بر این اساس، شناخت اثرات جهانی شدن جهت اجتناب از مضرات و بهره برداری از منافع آن ضروری است. توزیع درآمد از جمله متغیرهایی است که مطالعه در مورد تاثیر جهانی شدن بر آن الزامی به نظر می‌رسد. منظور از توزیع درآمد تشریح چگونگی سهم افراد یک کشور از درآمد ملی و میزان نابرابری درآمد در یک کشور می‌باشد.^۲

عوامل موثر بر توزیع درآمد دو دسته‌اند. دسته اول عوامل مربوط به خصوصیات شخصی افراد نظیر سن، تحصیلات، جنسیت و ... است و دسته دوم عواملی هستند که به ساختار اقتصادی - اجتماعی جامعه نظیر دولت، سطح اشتغال و تورم برمی‌گردند.

در سال‌های اخیر تاثیر جهانی شدن بر توزیع درآمد در کشورهای در حال توسعه مورد توجه خاص قرار گرفته است.^۳ از تبعات جهانی شدن، آزادسازی اقتصادی است که بر حسب شرایط اولیه هر کشور اعم از موجودی عوامل تولید، نهادها و تنظیمات سیاستی

۱. مالک (۱۳۸۴)، ص ۲۳.

۲. جعفری صمیمی (۱۳۷۱)، ص ۷۱.

(نظیر قوانین کار حاکم، اتحادیه‌های کارگری، تامین خدمات دولتها، خصوصی‌سازی و ...) اثرات متفاوتی بر توزیع درآمد خواهد گذاشت.

هدف این مقاله بررسی تأثیر جهانی شدن بر توزیع درآمد در کشورهای عضو گروه دی‌هشت شامل ایران، اندونزی، بنگلادش، پاکستان، ترکیه، مالزی، مصر و نیجریه می‌باشد. این کشورها که در مقیاس جهانی در حال توسعه محسوب می‌شوند، دارای تفاوت‌های نسبی در مقایسه با اعضای خود گروه می‌باشند و از نظر میزان توسعه یافتگی در سطوح مختلفی قرار دارند و با توجه به اینکه از اعضای سازمان کنفرانس اسلامی^۱ نیز هستند تحقیق و بررسی وضعیت اقتصادی آنها امری ضروری است. در این تحقیق با استفاده از داده‌های تابلویی^۲، تأثیر آزادسازی تجاری بر توزیع درآمد در هشت کشور مذکور طی سال‌های ۱۹۹۵-۲۰۰۴ مورد آزمون تجربی قرار می‌گیرد. بخش دوم شامل مبانی نظری و بخش سوم شامل مطالعات انجام شده در مورد تأثیر جهانی شدن بر توزیع درآمد می‌باشد. بخش چهارم مقاله به متدولوژی تحقیق، ارائه الگو و تخمین مدل می‌پردازد و نتیجه‌گیری تحقیق نیز در بخش پنجم ارائه شده است.

۱. مبانی نظری

در تشریح چگونگی تأثیرگذاری جهانی شدن بر توزیع درآمد تئوری‌های متعددی وجود دارد. مدل هکشر-اوهلین^۳ (۱۹۵۲) به عنوان مدل استاندارد تجارت بین‌الملل با فرض وجود رقابت کامل در بازار عوامل تولید، عامل اساسی و تعیین‌کننده مزیت نسبی در کشورها را وفور نسبی عوامل تولید (زمین، منابع طبیعی، نیروی کار و سرمایه) می‌داند. براساس این نظریه، کشورهای توسعه یافته در تجارت خود با کشورهای در حال توسعه کالاها و خدمات متکی بر سرمایه و نیروی کار ماهر را صادر و در مقابل کالاها و خدمات متکی بر نیروی کار کم‌مهارت را وارد می‌نمایند. لذا در پی آزادسازی و رفع موانع تجاری، افزایش مبادلات تجاری بین این دو گروه از کشورها باعث کاهش تقاضا برای کارگران

1. Organization of the Islamic Conference.

2. Panel Data.

3. Heckscher-Ohlin.

غیرماهر در کشورهای توسعه یافته خواهد شد و این کاهش تقاضا با فرض ثابت بودن سایر شرایط، به کاهش دستمزدهای نسبی آنها منتهی می‌گردد که بزرگی این تأثیرگذاری بر دستمزدها به میزان حساسیت دستمزدها به تغییرات تقاضا بستگی دارد. در کشورهایی با دستمزدهایی انعطاف پذیر همچون آمریکا و کانادا، افزایش تجارت با کشورهای در حال توسعه به کاهش دستمزد نسبی کارگران کم مهارت منجر خواهد شد و در کشورهایی که دستمزدها انعطاف ناپذیری بیشتری دارند، مانند کشورهای اروپایی، افزایش تجارت با کشورهای در حال توسعه عمدتاً به بیکاری بیشتر کارگران کم مهارت خواهد انجامید.^۱ بنابراین افزایش تجارت در کشورهای توسعه یافته نابرابری را افزایش می‌دهد. در مقابل، در کشورهای در حال توسعه که نیروی کار غیرماهر فراوان وجود دارد، افزایش تعاملات تجاری به دنبال جهانی شدن منجر به افزایش تقاضا برای کارگران با مهارت پائین شده و به تبع این امر، دستمزدهای نسبی افزایش خواهد یافت که خود عاملی در جهت بهبود توزیع درآمد است.

دو قضیه معروف از مدل هکشر-اوهلین به دست می‌آید که در ارتباط مستقیم با اثرات تجارت بر دستمزدها و قیمت دیگر عوامل تولید هستند، قضیه استالپر-ساموئلسون^۲ و قضیه برابری قیمت نهاده‌ها.

قضیه استالپر-ساموئلسون آثار وضع تعرفه را بر توزیع درآمد بین عوامل تولید بررسی می‌کند. افزایش قیمت کالاهای داخلی به دلیل وضع تعرفه‌های بالاتر و یا حمایت‌های غیرتعرفه‌ای (چون وضع سهمیه) باعث افزایش قیمت واقعی نهاده‌ای خواهد شد که در تولید آن کالا سهم بیشتری دارد. مثلاً اگر در تولید رایانه نیروی کار بیشتر و زمین کمتر و در تولید گندم زمین بیشتر و نیروی کار کمتر به کار گرفته می‌شود، این قضیه نشان می‌دهد که با وضع تعرفه بر واردات رایانه دستمزد واقعی کارگران نسبت به اجاره زمین افزایش خواهد یافت. بحث به این صورت است که در یک کشور کوچک وضع تعرفه قیمت کالاهای وارداتی را نسبت به کالاهای صادراتی به مقدار تعرفه افزایش می‌دهد که با فرض همگن بودن کالاها افزایش مشابه در قیمت کالاهای داخلی جایگزین واردات را در پی

1. Masee P. (1997), p. 213.

2. Stolper-Samuelson (1941), pp. 58-73.

خواهد داشت و این امر نیز به نوبه خود باعث انتقال منابع از تولید کالاهای صادراتی به تولید کالاهای جایگزین واردات خواهد گردید. در نتیجه تقاضا و به تبع آن دستمزد نسبی نهاده‌ای که در صنایع جایگزین واردات شدت کاربری فراوانتری دارد، نسبت به نهاده‌ای که شدت کاربری کمتری دارد افزایش می‌یابد. از آنجا که کالاهای جایگزین واردات از نهاده‌ای بیشتر استفاده می‌کنند که در کشور کمیاب‌تر است، با وضع تعرفه قیمت نسبی این نهاده‌ها افزایش می‌یابد.^۱

بنابراین آزادسازی تجارت در هر کشور تقاضا را برای نهاده تولیدی که نسبتاً در آن کشور فراوان‌تر است، افزایش خواهد داد و به تبع آن قیمت آن نهاده نیز بالاتر خواهد رفت. از آنجا که در کشورهای توسعه‌یافته نیروی کار ماهر و در کشورهای در حال توسعه نیروی کار غیرماهر دارای فراوانی نسبی می‌باشند، آزادی تجارت بین این دو گروه از کشورها، باعث افزایش تقاضا و دستمزد کارگران ماهر در کشورهای توسعه‌یافته خواهد شد، اما در کشورهای در حال توسعه بر تقاضا و دستمزد کارگران غیرماهر افزوده خواهد شد. در نتیجه آزادسازی تجارت در کشورهای در حال توسعه بر خلاف کشورهای توسعه یافته، نابرابری را کاهش خواهد داد.

بنابراین مبنای کلی این قضیه آن است که تغییر در قیمت نهاده‌ها می‌تواند صرف‌نظر از مقدار تجارت، از تغییر در قیمت نسبی کالاها ناشی شود. با فرض اشتغال کامل بازار نهاده‌ها، افزایش در قیمت نسبی یک کالا، افزایش قیمت واقعی نهاده‌ای را که با شدت بیشتر در تولید آن کالا به کار رفته است، به همراه خواهد داشت در حالی که قیمت واقعی نهاده دیگر کاهش خواهد یافت.

قضیه دوم قضیه برابری قیمت نهاده‌ها می‌باشد، طبق این قضیه با وجود رژیم آزاد تجاری، قیمت عوامل تولید در بین کشورهای طرف تجاری به یکدیگر نزدیک و در نهایت یکسان خواهد گردید. به عبارت دیگر تجارت آزاد بین المللی موجب برابری دستمزدهای واقعی نیروی کار یکسان و نیز برابری نرخ‌های بهره واقعی سرمایه‌های یکسان در دو کشور می‌شود. بنابراین تجارت آزاد در کشورهای طرف تجاری توزیع درآمد را

1. Wolff E.N. (2000), P 8.

تحت تاثیر قرار می‌دهد. البته به دلیل غیر واقعی بودن برخی از فروض این نظریه همچون وجود شرایط رقابت کامل در یک دنیای دو کالایی و نیز فرض عدم وجود هزینه‌های حمل و نقل، نظریه برابری قیمت نهاده‌ها فاقد ساختار تئوریکی می‌باشد.

نظریه جدید تجارت نیز برای تبیین نحوه روابط تجاری بین صنایع^۱ در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی با وفور عوامل مشابه بسط یافته است. در کشورهای توسعه یافته، تولید کالاهای کارخانه‌ای عمدتاً به صورت رقابت ناقص صورت می‌گیرد و تخصص‌گرایی از طریق صرفه‌های ناشی از مقیاس به هزینه‌های تولید کمتر منجر می‌شود، بنابراین با حذف موانع تجاری، انگیزه صادرات تشدید می‌گردد. یکی از پیش‌بینی‌های این نظریه این است که تجارت بین صنایع در بین کشورهایی بیشتر خواهد بود که درآمد، سلیقه و ساختار تولید مشابه داشته باشند زیرا با افزایش مقیاس تولید هزینه‌ها و بنابراین قیمت کالاها کاهش خواهد یافت. پیش‌بینی این نظریه نسبت به اثرات تجارت بین صنایع بر دستمزدهای نسبی مبهم است و تغییر در تقاضا و به تبع آن تغییر در دستمزد نیروی کار با مهارت بالا و یا پائین بستگی به این امر دارد که چگونه تولید برخی کالاها کاهش و برخی افزایش می‌یابد. لذا این امکان وجود دارد که کشورهای توسعه یافته به صادرات کالاهای مبتنی بر نیروی کار ماهر و یا صادرات کالاهای مبتنی بر نیروی کار غیر ماهر مبادرت ورزند.

۲. پیشینه تحقیق و مطالعات انجام شده

مطالعات صورت گرفته در زمینه تاثیر جهانی شدن بر نابرابری درآمد به سه گروه موافق، مخالف و بی‌تاثیر تقسیم می‌شوند. از جمله مطالعاتی که اعتقاد به بهبود وضعیت توزیع درآمد در اثر جهانی شدن دارند می‌توان به مطالعه دوروال و بیگستن^۲ در سال ۲۰۰۵ اشاره کرد. آنها با استفاده از داده‌های مربوط به کشور کنیا طی دوره ۱۹۶۴-۲۰۰۰ و مدل خود رگرسیون برداری^۳، به بررسی تاثیر آزادسازی تجاری (از طریق اعمال اصلاحات

1. Intra-Industry.

2. Bigsten A. & Durevall D. (2005), pp. 456-480.

3. VAR.

سیاست‌های تجاری) بر اختلاف دستمزدها بین کارگران ماهر و ساده پرداختند. آنها به این نتیجه رسیدند که روند جهانی شدن در کشور کنیا منجر به کاهش نابرابری دستمزدها شده است. در این تحقیق نابرابری دستمزدها در بخش صنعتی و کشاورزی با این فرض که کارگران بخش صنعتی ماهر و کارگران بخش کشاورزی ساده هستند، بررسی شده است. آنها با استفاده از الگوی مدل خود رگرسیون برداری و مقایسه نسبت قیمت کالاهای صنعتی در کشور کنیا و نیز قیمت‌های جهانی که از داده‌های مربوط به کشور انگلیس به عنوان شریک عمده تجاری کشور مذکور به عنوان جایگزین استفاده شده است، به این نتیجه رسیدند که به طور کلی جهانی شدن نابرابری دستمزدها را در این کشور کاهش داده است، هر چند حمایت از بخش صنعتی منجر به کاهش نسبی دستمزدها در بخش کشاورزی شده است.

بهاسین^۱ در مطالعه خود با استفاده از مدل تعادل عمومی قابل محاسبه^۲ نشان داده است که حذف موانع و تعرفه‌های وارداتی یا صادراتی در صورتی که با افزایش دریافت‌های خارجی همراه باشد توزیع درآمد را در کشور آفریقایی غنا بهبود می‌بخشد لیکن حذف این موانع همراه با کاهش میزان دریافت‌های خارجی، توزیع درآمد را نابرابرتر می‌کند.

وو و وی^۳ نابرابری در چین را در راستای جهانی شدن مورد بررسی قرار داده‌اند. آنها با استفاده از داده‌های مربوط به مناطق مختلف چین، شکاف درآمدی میان ساکنان شهری و روستایی در یک منطقه را مطالعه نموده و از معیار نسبت درآمد شهری به روستایی برای ۱۰۰ شهر و روستای چین در طول سالهای ۱۹۹۳-۱۹۸۸ استفاده نموده‌اند. یافته‌های آنها حاکی از آن است که شهرهایی که درجه باز بودن بیشتری را در تجارت تجربه کرده‌اند با کاهش بیشتری در نابرابری درآمد شهری-روستایی مواجه بوده‌اند. بدین ترتیب جهانی شدن به کاهش نابرابری‌های شهری-روستایی در کشور چین کمک کرده است.

دسته دوم مطالعات نشان می‌دهند که جهانی شدن بر توزیع درآمد تاثیر منفی دارد. در سال ۲۰۰۷ تاثیر جهانی شدن بر همگرایی درآمدهای سرانه در ۱۱۵ کشور جهان طی دوره

1. Bhasin, V.K. (2005).

2. Computable General Equilibrium.

3. Wu sh. J. & Wei Y. (2002).

۱۹۵۰-۱۹۹۸ توسط فیلیپ اپستین، پیتر هاوالت و استفان اسچولز^۱ بررسی شد. در این تحقیق از دو روش استفاده شده است، در روش اول بررسی شده که آیا روابط تجاری بین کشورهای با درآمد بالا بر توزیع درآمد جهانی تاثیرگذار است یا خیر و در روش دوم روند همگرایی توزیع درآمد به عنوان یک پدیده جهانی با استفاده از نمونه بزرگتری مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در بلندمدت برقراری روابط تجاری به نفع اقتصادهای ثروتمند و به ضرر اقتصادهای فقیر است.

جونگک اون لی^۲ نیز به بررسی اثر جهانی شدن بر نابرابری درآمد در کشورهای اروپایی پرداخته است. مدل پانل وی شامل ۱۴ کشور اروپایی می‌باشد که طی دوره ۱۹۹۲-۱۹۵۱ تخمین زده شده است. در این مدل از سرمایه گذاری مستقیم خارجی^۳ و میزان شدت تجاری (تولید ناخالص داخلی / (صادرات + واردات)) به عنوان شاخص‌های جهانی شدن و از ضریب جینی به عنوان شاخص توزیع درآمد استفاده شده است. طبق نتایج این مطالعه افزایش میزان سرمایه گذاری مستقیم خارجی نابرابری درآمدی را افزایش داده است. به نظر وی ورود سرمایه گذاری مستقیم خارجی به یک کشور ممکن است شرایط کارگران ماهر را بهبود بخشیده و گروه‌های پردرآمد ایجاد کند اما لزوماً درآمد گروه‌های دیگر را کاهش نمی‌دهد.

توان^۴ با استفاده از مدل تعادل عمومی قابل محاسبه، ارتباط بین آزادسازی تجاری و توزیع درآمد را در بین گروه‌های خانوار مختلف در ویتنام بررسی کرده است. این کار با استفاده از یک مدل پویای چندبخشی و ماتریس حسابداری اجتماعی^۵ انجام شده است و شامل ۲۵ بخش و ۸ گروه خانوار می‌باشد. نتایج آزمون وی حاکی از آن است که بر اثر آزادسازی تجاری، رفاه ملی تاثیر منفی پذیرفته است، به این صورت که تمامی گروه‌های خانوارهای روستایی از این پدیده متضرر و تنها سه گروه از چهار گروه خانوار شهری منتفع شده‌اند.

1. Epstein, Howlett, Schulze. Max, (2007), pp100-117.

2. Lee J.E. (2006), pp 791-796.

3. Foreign Direct Investment.

4. Toan N.M. (2004).

5. Social Accounting Matrix.

جای اس مه^۱ (۲۰۰۳) با بررسی داده‌های دوره ۱۹۷۵-۱۹۹۵ به این نتیجه رسید که علیرغم پیش‌بینی‌های انجام شده، جهانی شدن تأثیر معنی‌داری بر ضریب‌جینی در کره نداشته است. وی اثر تغییرات درآمد سرانه، نسبت آزادی اقتصادی و نیز سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را بر ضریب‌جینی طی سال‌های ۱۹۷۵-۱۹۹۵ بررسی نمود و اثبات ضعیفی از فرضیه کوزنتس را به دست آورد. وی نقطه برگشت در اقتصاد کره را بین ۴۰۰۰ تا ۶۰۰۰ دلار آمریکا تخمین زد.

مطالعاتی در این زمینه در داخل کشور نیز صورت گرفته است، از جمله می‌توان به مطالعه نیلی و فرح بخش^۲ در سال ۱۳۷۷ اشاره کرد. ایشان ارتباط رشد اقتصادی و توزیع درآمد را مورد بررسی قرار دادند. آنها با استفاده از مدل سری‌زمانی طی سال‌های ۱۳۴۷-۱۳۷۵ به این نتیجه رسیدند که رشد اقتصادی و توزیع درآمد با جهت‌گیری علی‌دو طرفه، حرکتی هم‌جهت دارند. رشد اقتصادی باعث بهبود توزیع درآمدها می‌گردد، ضمن آنکه بیکاری و تورم وضعیت توزیع درآمدها را نامطلوب‌تر می‌گرداند. از سوی دیگر بدتر شدن توزیع درآمد، کندی رشد اقتصادی را به دنبال خواهد داشت.

زهران‌نجاتی محرمی^۳ با پایه قرار دادن تئوری استالپر-ساموئلسن و با استفاده از داده‌های خرد در سطح خانوارها، به بررسی تأثیر آزادسازی تجاری بر نابرابری دستمزد در سال‌های ۸۰، ۸۱ و ۸۲ در ایران پرداخته است. وی به منظور بررسی رابطه میان متغیرها و تجزیه و تحلیل آنها از روش اقتصادسنجی داده‌های پانل و برای تخمین ضرایب از نرم‌افزار آماری استاتا^۴ استفاده کرده است. نتایج برازش مدل با در نظر گرفتن نرخ تعرفه به عنوان شاخص آزادسازی تجاری نشان می‌دهد که کاهش در نرخ تعرفه‌ها سبب کاهش در دستمزد افراد غیرماهر و افزایش در دستمزد افراد نیمه‌ماهر و ماهر می‌شود. به عبارت دیگر آزادسازی تجاری سبب افزایش شکاف دستمزد میان افراد با سطوح مختلف مهارت شده و با توجه به اینکه شاغلین غیرماهر ۷۰ درصد کل شاغلین کشور را تشکیل می‌دهند لذا از این مسئله

1. Mah J. S. (2003), pp. 157-146.

۲. نیلی، فرح بخش (۱۳۷۷)، صص ۱۵۴-۱۲۱.

۳. نجاتی محرمی (۱۳۸۵).

4. Stata.

متضرر خواهند شد.

علی اکبر ناجی میدانی^۱ نیز آثار جهانی شدن اقتصاد را بر توزیع درآمد با استفاده از آزمون‌های هم‌انباشتگی یوهانسن-جوسلیوس و علیت گرنجی طی دوره ۱۳۴۷-۱۳۷۹، با استفاده از اضافه بها نرخ ارز به عنوان شاخص جهانی شدن اقتصاد بررسی کرده است. بر اساس یافته‌های وی فرآیند جهانی شدن منجر به افزایش نابرابری‌های درآمدی در ایران شده است.

همچنین احمدی و مهرگان^۲ در مقاله‌ای با عنوان تاثیر سیاست‌های تعدیل اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران، درجه آزادی ایران را با تکیه بر داده‌های سال ۱۹۹۵-۲۰۰۱ بنیاد هریتیج در مدل توزیع درآمد وارد نموده و با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی تابع مذکور را برآورد نموده‌اند. طبق ضریب برآورد شده اگر درجه آزادی اقتصادی به اندازه یک واحد افزایش یابد ضریب جینی به طور متوسط ۰/۰۳۲۳ واحد کاهش خواهد یافت. این ضریب در سطح ۱۶ درصد معنی‌دار است. به این معنا که در سطح معنی‌داری ۱۶ درصد درجه باز بودن اقتصادی ایران باعث کاهش نابرابری درآمد می‌گردد.

۳. ارائه و تخمین مدل

۳-۱. متدولوژی تحقیق

با توجه به محدودیت‌های موجود در استفاده از مدل‌های سری‌زمانی در دوره‌های کوتاه‌مدت همچون محدودیت‌های آماری و همچنین تلفیق مقاطع و کشورهای مختلف، استفاده از روش داده‌های تابلویی روشی مفید برای تلفیق داده‌ها در مقاطع و گروه‌های مختلف محسوب می‌شود. صورت کلی مدل داده‌های تابلویی بصورت زیر می‌باشد:

$$Y_{it} = \alpha + X_{it}\beta_{it} + U_{it} \quad (1-4)$$

که Y_{it} متغیر وابسته و X_{it} برداری از k متغیر توضیحی است، U_{it} نیز جزء اخلاص

۱. ناجی میدانی (۱۳۸۲).

۲. احمدی، مهرگان (۱۳۸۵)، صص ۲۰۹-۲۳۲.

است که نماینده متغیرهایی است که مستقیماً در مدل وارد نشده‌اند. در مدل فوق i ($i=1, 2, \dots$) نمایانگر تعداد مشاهدات مقطعی و t ($t=1, 2, \dots$) نشان‌دهنده دوره مشاهدات می‌باشد. ضریب α نیز جزء ثابت کلی مدل نام دارد.

به طور کلی برآورد مدل با استفاده از داده‌های تابلویی شامل مراحل زیر است:

- آزمون تشخیص پایایی بر روی داده‌ها
- آزمون قابلیت تخمین مدل بصورت داده‌های تابلویی
- آزمون تعیین اثرات ثابت یا اثرات تصادفی
- برآورد پارامترها

پیش از برآورد رابطه میان توزیع درآمد و متغیرهای توضیحی لازم است پایایی تمامی متغیرهای مورد استفاده در تخمین مورد آزمون قرار گیرند، زیرا ناپایایی متغیرها باعث بروز مشکل تخمین رگرسیون کاذب می‌شود. از سوی دیگر قبل از تخمین مدل از روش داده‌های تابلویی باید اطمینان حاصل نمود که امکان تخمین به صورت جمعی^۱ وجود ندارد. به عبارت دیگر تفاوت بین دوره‌ها و نیز کشورهای انتخاب شده معنی دار است.

۲-۳. تخمین مدل و ارائه نتایج

۱-۲-۳. تشریح مدل

به منظور بررسی تأثیر جهانی شدن بر توزیع درآمد از شاخص باز بودن تجاری که به صورت نسبت تجارت به تولید ناخالص داخلی تعریف می‌شود استفاده می‌کنیم، مهمترین مزیت این شاخص سادگی محاسبه آن و در اختیار بودن داده‌های مربوط به کشورهای مختلف برای محاسبه آن در مطالعات بین‌کشوری است. در میان شاخص‌های توزیع درآمد نیز ضریب جینی^۲ تغییرات توزیع درآمد را بطور صریح نشان می‌دهد. علاوه بر این به دلیل دسترسی بیشتر به داده‌های مربوط به ضریب جینی از این شاخص استفاده شده است.

با توجه به ادبیات نظری مربوط به عوامل موثر بر توزیع درآمد مهمترین متغیرهای تأثیرگذار بر توزیع درآمد در کشورهای مورد بررسی و نیز ایران متغیرهای تولید ناخالص

1. Pool.

2. Gini index.

داخلی سرانه، مجذور تولید ناخالص داخلی سرانه، شاخص درجه باز بودن تجاری، نرخ رشد جمعیت، میزان تورم، سطح توسعه یافتگی، سطح تحصیلات و میزان فساد هستند. بر این اساس مدل توزیع درآمد مورد استفاده به صورت زیر ارائه می گردد:

$$GINI_{it} = \beta_0 + \beta_1 GDP_{it} + \beta_2 GDP^2_{it} + \beta_3 Openness_{it} + \beta_4 Dev_{it} + \beta_5 Popg_{it} + \beta_6 School + \beta_7 Inflation_{it} + \beta_8 Corr_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیرهای فوق به صورت زیر معرفی می شوند:

$GINI_{it}$: ضریب جینی کشور i در سال t

GDP_{it} : تولید داخلی سرانه به قیمت ثابت کشور i در سال t

GDP^2_{it} : مجذور تولید ناخالص داخلی سرانه به قیمت ثابت کشور i در سال t

$Openness_{it}$: نسبت خالص تجارت خارجی به تولید ناخالص داخلی کشور i در سال t

Dev_{it} : شاخص توسعه اقتصادی کشور i در سال t

$Popg_{it}$: نرخ رشد جمعیت کشور i در سال t

$School_{it}$: درصد ثبت نام در تحصیلات متوسطه در کشور i در سال t

$Inflation_{it}$: نرخ تورم کشور i در سال t

$Corr_{it}$: شاخص فساد اقتصادی کشور i در سال t

ε_{it} : جزء اخلاص

۲-۲-۳. بررسی متغیرهای مدل

متغیرهای تولید ناخالص داخلی سرانه و مجذور تولید ناخالص داخلی سرانه بیانگر فرضیه کوزنتس می باشند. بر اساس این فرضیه رابطه بین توسعه اقتصادی و توزیع درآمد به شکل U معکوس است. در اکثر مطالعات نظیر مطالعه لی^۱ که تاثیر جهانی شدن را بر توزیع درآمد در ۱۴ کشور اروپایی بررسی کرده است و نیز در مطالعه اسپلیمرگ^۲، لاندونو و اسزکلی^۲ که به بررسی درجه باز بودن اقتصادی و توزیع درآمد پرداخته اند، فرضیه کوزنتس به صورت وجود همزمان تولید ناخالص داخلی و مجذور آن مورد آزمون قرار

1. Lee, J.E. (2006), pp 791-796.

2. Spilimbergo. A, Londono. J.L, Szekeky.M ,(1999), pp77-101.

گرفته است؛ بنابراین با تکیه بر توجیه نظری و توجیه تجربی این امر، در این مطالعه نیز متغیرهای تولید ناخالص داخلی و مجذور آن را تواما در مدل مورد بررسی وارد می‌کنیم. برای تحقق این فرضیه لازم است که علامت تولید ناخالص داخلی (GDP_{it}) مثبت و علامت مجذور آن (GDP^2_{it}) منفی باشد.

شاخص باز بودن نیز به عنوان یکی از شاخص‌های نشان‌دهنده میزان جهانی شدن اقتصاد وارد مدل شده است. می‌توان انتظار داشت علامت ضریب بازبودن تجاری ($Openness_{it}$) نیز با توجه به نظریات هکشر- اوهلین و استالپر- ساموئلسون منفی باشد.^۱

به منظور ارزیابی اثر درجه توسعه‌یافتگی بر توزیع درآمد از شاخص درجه آزادی بنیاد هریتیج استفاده شده است. این بنیاد شاخص آزادی اقتصادی را بر اساس مقادیر ۵۰ متغیر مستقل اقتصادی که در ۱۰ گروه اصلی طبقه‌بندی شده‌اند برای کشورهای مختلف محاسبه و ارائه نموده است. در هر گروه اصلی برای متغیرها از هر کشور نمره‌های یک تا ۱۰۰ در نظر گرفته می‌شود و میانگین این نمره‌ها، نمره نهایی هر کشور را در فهرست نهایی به دست می‌دهد. کمترین نمره یعنی یک، بیانگر حداقل آزادی اقتصادی و بالاترین نمره، یعنی صد نشان‌دهنده حداکثر آزادی اقتصادی در یک کشور است. در این تحقیق انتظار بر آن است که هرچه یک کشور از آزادی اقتصادی بیشتری برخوردار باشد از سطح توسعه‌یافتگی بالاتری نیز بهره می‌برد و در نتیجه دارای تأثیر مثبت بر بهبود توزیع درآمد می‌باشد، بنابراین انتظار می‌رود علامت ضریب توسعه‌یافتگی (Dev_{it}) منفی باشد.

تأثیر جمعیت بر توزیع درآمد دارای دو اثر متضاد می‌باشد. در بعد تولیدی، رشد جمعیت به عنوان یکی از عوامل تولید مهم، منجر به جابجایی منحنی امکانات تولید کشور شده و چنانچه در سطح اشتغال کامل به کار برده شود رشد اقتصادی را در بر خواهد داشت. از این منظر، رشد جمعیت می‌تواند در بلندمدت منجر به بهبود توزیع درآمد گردد. از سوی دیگر چنانچه رشد جمعیت با افزایش نرخ بیکاری و اشتغال ناقص در بهره‌برداری از این عامل توام باشد، وضعیت توزیع درآمد را بدتر خواهد کرد. در مجموع می‌توان گفت علامت شاخص نرخ رشد جمعیت ($Popg_{it}$) بر توزیع درآمد با توجه به شرایط

1. Toan N.M (2004).

کشورها متفاوت می‌باشد.^۱

در مورد ارتباط تحصیلات و توزیع درآمد نیز نظریات متعددی تاثیر نیروی کار ماهر و با دانش روز را بر توزیع درآمد مورد بحث قرار داده‌اند؛ به این صورت که افزایش مهارت نیروی کار در فرآیند جهانی شدن به بهبود توزیع درآمد کمک می‌کند.^۲ در این تحقیق با توجه به در دسترس نبودن اطلاعات مربوط به نیروی کار ماهر کشورهای مورد بررسی و سطح مهارت آنها، از شاخص سطح تحصیلات به عنوان متغیری جایگزین^۳ استفاده شده است. به این صورت که از شاخص درصد دانش آموزان ثبت‌نام شده در دوره دبیرستان به عنوان متغیر سطح تحصیلات استفاده کرده‌ایم. طبق انتظارات تئوریک، افزایش در ثبت‌نام دانش‌آموزان، به بهبود وضعیت توزیع درآمد می‌انجامد. بنابراین انتظار می‌رود علامت ضریب شاخص ثبت نام در تحصیلات متوسطه ($School_{it}$) منفی باشد.

فروض مربوط به تورم نیز بیان می‌کنند که افراد با درآمد پائین در جوامع مختلف اغلب بیش از سایر افراد از تورم آسیب می‌بینند؛^۴ چرا که این افراد دارای درآمد ثابتی هستند و ممکن است نتوانند در برابر شرایط تورمی واکنش نشان دهند، در نتیجه درآمد واقعی آنها کاهش می‌یابد. این در حالی است که در همین زمان دارایی واقعی صاحبان دارایی‌های بادوام (مانند زمین و مسکن) به دلیل شرایط تورمی افزایش می‌یابد و به نابرابر شدن توزیع درآمد کمک می‌کند.^۵ بنابراین با توجه به تاثیر منفی تورم بر وضعیت توزیع درآمد، پیش‌بینی در مورد علامت ضریب نرخ تورم ($Inflation$) در مدل مثبت است.

متغیر دیگری که در مدل وارد شده است فساد اقتصادی می‌باشد. فساد را می‌توان تابعی از اندازه دولت، ساختار قضایی و امنیت حقوق مالکیت هر کشور، ثبات پول و وجود پول سالم، آزادی مبادله و ضوابط مقررات بازار کار و اعتبارات کسب و کار در نظر گرفت. این شاخص ضمن افزایش هزینه‌های فعالیت تجاری، فرآیند گرفتن مجوزهای لازم برای فعالیت در اقتصاد کشور میزبان را افزایش می‌دهد. مقادیر این شاخص از بنیاد هریتیج

1. Ansley J. & Hoover E. (1958).

2. Benabou R. (1994).

3. Proxy.

4. Colin L. & Heng-fu, (2000), p 157.

5. Budd E.C. & Seiders D. F.(2004), pp. 128-138.

استخراج شده‌اند و در مقیاس ۱ تا ۱۰۰ ارائه می‌شوند که مقادیر کمتر آن به منزله فساد بیشتر و مقادیر نزدیکتر به ۱۰۰ نشانگر فساد کمتر در آن کشور می‌باشد. بر این اساس انتظار بر آن است که علامت ضریب این شاخص مثبت باشد.^۱

۳-۲-۳. تخمین مدل

به منظور تعیین تأثیر جهانی شدن بر توزیع درآمد در کشورهای دی هشت از شاخص بانک جهانی نسخه ۲۰۰۶^۲ استفاده شده است. دوره مورد بررسی، با توجه به محدودیت‌های آماری، سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۴ انتخاب شده است. به منظور اطمینان از پایایی داده‌ها از آزمون هاردی^۳ استفاده شده و نتایج این آزمون در جدول (۱) آمده است. بر اساس نتایج حاصل، پایایی جمعی متغیرهای مورد استفاده در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید شده است.

جدول ۱ - نتایج آزمون ریشه واحد همجمعی^۴ بر روی متغیرهای مدل

Hardi Z-Test		نام متغیر
Value	Prob.	
۳/۷۳۳۱	۰/۰۰۰۱	ضریب جینی
۵/۱۹۳۱	۰/۰۰۰	تولید ناخالص داخلی
۵/۴۸۴۲	۰/۰۰۰	مجدور تولید ناخالص داخلی
۵/۳۹۱۷	۰/۰۰۰	رشد جمعیت
۴/۵۱۷۹	۰/۰۰۰	نرخ تورم
۲/۸۸۹۱	۰/۰۰۱۹	درجه باز بودن اقتصاد
۴/۹۰۷۳	۰/۰۰۰	شاخص توسعه
۲/۴۱۵۱	۰/۰۰۷۹	درجه فساد
۴/۲۹۸۰	۰/۰۰۰	سطح تحصیلات

منبع: محاسبات تحقیق با استفاده از نرم افزار Eviews

آزمون دیگری که انجام شده است آزمون قابلیت تخمین داده‌ها به صورت جمعی می‌باشد؛ نتایج این آزمون نشان می‌دهد که آماره F برابر با ۸۵/۷۲۹ است که از مقدار

1. Lambsdorff J. (2001).
2. World Development Indicators (WDI 2006).
3. Hardi Test.
4. Common Unit Root.

بحرانی جدول (۲/۴۱)، بزرگتر بوده و لذا فرضیه قابلیت تخمین داده‌ها به شیوه جمعی پذیرفته نمی‌شود و لازم است مدل به روش داده‌های تابلویی یا پانل برآورد گردد. همچنین پس از انجام آزمون هاسمن به منظور تعیین وجود اثرات ثابت یا تصادفی، فرضیه صفر مبنی بر وجود اثرات تصادفی رد شده و لازم است که مدل به صورت اثرات ثابت برآورد شود.

پس از انجام آزمون‌های فوق به منظور تبیین اثرات متغیرهای مذکور بر توزیع درآمد به صورت مرحله‌ای عمل کرده و هر متغیر را به صورت مجزا مورد بررسی قرار داده‌ایم، متغیرهای مورد نظر طی هفت مدل تخمین زده شده است. مدل نهایی که در برگیرنده تمامی متغیرهای مورد بررسی می‌باشد به صورت زیر است:

$$GINI_{it} = \beta_0 + \beta_1 GDP_{it} + \beta_2 GDP^2_{it} + \beta_3 Openness_{it} + \beta_4 Dev_{it} + \beta_5 Popg_{it} + \beta_6 School + \beta_7 Inflation_{it} + \beta_8 Corr_{it} + \varepsilon_{it}$$

همانگونه که از نتایج برآورد الگو در جدول (۳) مشخص است، ضریب تولید ناخالص داخلی سرانه مثبت و از لحاظ آماری معنی‌دار است. بر اساس الگوی برآوردی ضریب β_1 ، ۰/۱۵۲۶۴ برآورد شده و علامت مورد نظر نیز بر اساس فرضیه کوزنتس و انتظارات قبلی به دست آمده است، بنابراین طی دوره مورد بررسی (۱۹۹۵ تا ۲۰۰۴)، تغییرات تولید ناخالص داخلی سرانه بر توزیع درآمد کشورهای گروه دی هشت تاثیر معنی‌داری داشته است. از سوی دیگر ضریب مجذور تولید ناخالص داخلی سرانه منفی و از لحاظ آماری معنی‌دار است. بنابراین می‌توان گفت در تحقیق حاضر با استفاده از داده‌های تلفیقی فرضیه کوزنتس در ایران و سایر کشورهای عضو گروه دی هشت تأیید شده است.

بر اساس فرضیه کوزنتس، در مراحل اولیه توسعه، شکاف درآمدی افزایش و در مراحل بالاتر توسعه نابرابری کاهش می‌یابد. فرضیه کوزنتس در مطالعه نیلی و فرح‌بخش^۱ که ارتباط رشد اقتصادی و توزیع درآمد را در ایران مورد ارزیابی قرار داده‌اند تأیید نمی‌شود. ایشان دلیل عدم تأیید این فرضیه در مطالعه خود را استفاده از داده‌های سری

زمانی می‌دانند، زیرا در یک بررسی سری زمانی نمی‌توان مدعی شد که کشورها در یک منحنی کوزنتس باقی بمانند.

اثر متغیر باز بودن تجاری بر ضریب جینی منفی و معنی‌دار می‌باشد و مقدار این ضریب معادل $0/11023$ - برآورد شده است. به عبارت دیگر در مورد کشورهای مورد بررسی، افزایش درجه باز بودن تجاری منجر به کاهش نابرابری درآمدی شده است.

ضریب شاخص توسعه یافتگی نیز معادل $0/08808$ - به دست آمده است که از لحاظ آماری معنی‌دار بوده و نشان‌دهنده این واقعیت است که سطح توسعه‌یافتگی بر توزیع درآمد تأثیرگذار است و تقویت درجه توسعه‌یافتگی می‌تواند از عوامل کمک‌کننده به اصلاح توزیع درآمد باشد.

با توجه به جدول (۳) ضریب نرخ رشد جمعیت نیز نشان می‌دهد که در کشورهای گروه دی هشت، رشد این متغیر به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر رشد تولیدات توانسته است توزیع درآمد را در دوره مورد مطالعه تا حدی بهبود بخشد، به طوری که ضریب به دست آمده رقم $1/848857$ - را نشان می‌دهد. گرچه این ضریب در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار نیست اما علامت آن با انتظارات تئوریک مبنی بر تأثیر مثبت رشد جمعیت بر توزیع درآمد منطبق است.

در زمینه تأثیر میزان تحصیلات بر توزیع درآمد نیز نتایج الگو نشان می‌دهند که علیرغم برخی بهبودها در نرخ رشد کمی ثبت‌نام برای تحصیل در کشورهای عضو گروه دی هشت، هنوز سطح سرمایه انسانی به اندازه‌ای که بر رشد اقتصادی و در نهایت بر توزیع درآمد تأثیر مثبت و قوی بگذارد نرسیده است و این کشورها فاقد اقتصادهای دانش‌محور هستند. ضریب این متغیر که با مبانی تئوریک سازگار است معادل $0/037161$ - برآورد شده است، لیکن از لحاظ آماری معنی‌دار نیست. در مطالعه دیگری که توسط ساویدس^۱ در زمینه تأثیر سیاست‌های تجاری بر توزیع درآمد انجام شده است نتایج به دست آمده نشان‌دهنده تأثیر مثبت تحصیلات بر توزیع درآمد می‌باشند.

ضریب نرخ تورم نیز طبق انتظارات تئوریک مثبت و معادل $0/026317$ - برآورد شده

است که حاکی از تاثیر منفی نرخ تورم بر وضعیت توزیع درآمد در کشورهای عضو گروه دی هشت می باشد. کلین و فو^۱ نیز با بررسی تاثیر تورم بر ضریب جینی چین به نتایج مشابهی مبنی بر اثر منفی تورم بر توزیع درآمد رسیده اند.

آخرین متغیری که تاثیر آن بر توزیع درآمد بررسی شد متغیر شاخص فساد است. این متغیر همچون تورم تاثیری منفی بر توزیع درآمد داشته است. بنابراین وجود ثبات و امنیت در محیط سرمایه گذاری از عوامل مهم تاثیر گذار بر رشد اقتصادی، بهبود توزیع درآمد و ارتقای قدرت رقابت پذیری در کشورهای مورد بررسی می باشد. در واقع عوامل نهادی به منزله پیش نیازی برای سرمایه گذاری و فعالیت تجاری در کشورهای مورد مطالعه محسوب می شوند.

جدول ۳- نتایج تخمین

R ²	Corr _{it}	flation _{it}	School _{it}	Pop _{it}	Dev _{it}	eness _{it}	GDP ² _{it}	GDP _{it}								
۰/۹۹۹۳۳	-۱/۰۰۰۰۰۱۵	۰/۰۰۸۹۲۸	Coefficient	۱ مدل						
	-۳/۱۷۵۲۰۲	۰/۵۰۸۱	statistic							
	۰/۰۰۲۲	۰/۰۰۰۰	prob							
۰/۹۹۸۸۰۸	-۰/۰۹۴۴۴۹	-۱/۰۰۰۰۰۱۴	۰/۰۱۰۸۸۳	Coefficient	۲ مدل					
	-۵/۵۰۸۸۲۳	-۳/۴۲۸۸۲۵	۴/۸۷۸۸۶۲	statistic						
	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۱۰	prob						
۰/۹۹۸۴۸۸	-۰/۰۶۷۶۷۲	-۰/۰۹۳۵۷۴	-۱/۰۰۰۰۰۱۶	۰/۰۱۰۵۴۱	Coefficient	۳ مدل				
	-۲/۴۳۳۸۱۱	-۵/۷۱۰۶۶۵	-۳/۳۳۲۹۱۵	۴/۵۹۲۴۸۱	statistic					
	۰/۰۱۷۶	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۰۰	prob					
۰/۹۹۸۴۹۰	-۱/۲۵۳۰۵۳	-۰/۰۶۷۲۴۰	-۰/۰۹۴۵۹۳	-۱/۰۰۰۰۰۱۶	۰/۰۱۰۴۴۲	Coefficient	۴ مدل			
	-۰/۲۷۷۴۵۱	-۲/۳۹۷۳۲۲	-۵/۵۹۳۸۵۰	-۳/۷۱۳۰۴۳	۴/۴۷۰۷۵۲	statistic				
	۰/۷۸۲۳	۰/۰۱۹۳	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۰۰	prob				
۰/۹۹۸۴۴۵	-۰/۰۳۰۵۶۵	-۱/۱۶۴۰۸۳	-۰/۰۷۱۰۵۴	-۰/۰۹۵۲۴۸	-۱/۰۰۰۰۰۱۸	۰/۰۱۱۸۰۰	Coefficient	۵ مدل		
	-۰/۶۵۴۰۸۴	-۱/۱۷۸۴۳۱	-۲/۴۷۶۸۳۵	-۵/۶۰۲۳۶۳	-۳/۳۷۹۷۲۵	۳/۸۷۳۴۸۸	statistic			
	۰/۵۱۵۳	۰/۰۱۵۸	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۱۲	۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۰۰	prob			
۰/۹۹۸۱۳۸	۰/۰۲۲۵۲۵	-۰/۰۴۰۵۷۰	-۱/۷۷۰۲۲۱	-۰/۰۶۲۵۵۵	-۰/۱۱۳۱۱۰	-۱/۰۰۰۰۰۲۲	۰/۰۱۶۳۰۷	Coefficient	۶ مدل	
	۲/۰۲۸۸۴۴	-۰/۸۴۰۸۷۴	-۱/۸۰۴۵۷۴	-۲/۲۷۱۵۶۳	-۶/۵۷۶۶۲۹	-۴/۳۰۳۰۴	۴/۶۷۸۳۶۶	statistic		
	۰/۰۴۶۶	۰/۴۰۳۵	۰/۰۷۵۸	۰/۰۲۶۴	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰	prob		
۰/۹۹۶۶۹۶	۰/۰۱۹۲۶۳	۰/۰۲۶۳۱۷	-۰/۰۳۷۱۶۱	-۱/۸۴۸۸۵۷	-۰/۰۸۸۰۰۸	-۱/۱۱۰۰۲۳	-۱/۰۰۰۰۰۲۳	۰/۰۱۵۲۶۴	Coefficient	۷ مدل
	۱/۸۷۵۳۹۸	۲/۲۹۳۹۴۲	-۰/۶۹۱۰۴۴	-۱/۳۷۷۶۲	-۲/۲۸۰۰۳۳	-۶/۳۰۶۰۹۲	۴/۲۴۹۶۷۲	۴/۵۹۷۲۹۴	statistic	
	۰/۰۶۵۳	۰/۰۲۵۱	۰/۴۹۲۰	۰/۰۸۷۱	۰/۰۰۸۲	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰	prob	

نتیجه گیری و پیشنهادات

با توجه به نتایج تحقیق کلیه متغیرها دارای علامت منطبق با انتظارات تئوریک می‌باشند. متغیرهای تولید ناخالص داخلی، نرخ تورم و درجه فساد باعث افزایش ضریب جینی و متغیرهای مجذور تولید ناخالص داخلی، درجه باز بودن اقتصاد، درجه توسعه‌یافتگی، نرخ رشد جمعیت و درصد ثبت نام در تحصیلات متوسطه باعث کاهش ضریب جینی می‌شوند. از سوی دیگر کلیه پارامترهای برآورد شده به جز سطح تحصیلات در سطح ۹۵ درصد معنی دار می‌باشند. اثر رشد جمعیت نیز در سطح ۹۰ درصد معنی دار بوده و نشان‌دهنده تأثیر مثبت افزایش جمعیت بر بهبود توزیع درآمد می‌باشد.

افزایش درآمد سرانه در مراحل اولیه رشد و توسعه منجر به بدتر شدن توزیع درآمد شده و پس از دستیابی به سطحی از توسعه‌یافتگی تأثیر مثبت بر بهبود توزیع درآمد دارد. بنابراین در تمامی کشورهای عضو گروه دی هشت فرضیه کوزنتس با وجود متغیرهای مختلف اثر گذار بر توزیع درآمد تأیید می‌شود. همچنین باز بودن تجاری تأثیری مثبت بر بهبود توزیع درآمد داشته است و می‌توان انتظار داشت که افزایش تعاملات تجاری با دنیای خارج می‌تواند به بهبود توزیع درآمد در این کشورها بیانجامد. در مورد اثرگذاری سطح توسعه‌یافتگی بر توزیع درآمد نیز با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان گفت که بهبود سطح توسعه‌یافتگی کشورهای مذکور، به بهبود وضعیت توزیع درآمد کمک خواهد کرد. همچنین با توجه به وضعیت تورمی کشورهای عضو گروه دی هشت افزایش تورم به دلیل افزایش شکاف درآمد بین صاحبان دارائی‌ها و صاحبان درآمد ثابت نابرابری درآمدی را در این کشورها افزایش می‌دهد. از سوی دیگر بر اساس نتایج به دست آمده افزایش فساد منجر به افزایش نابرابری درآمدی در هشت کشور مورد بررسی خواهد شد.

توصیه‌های سیاستی

با توجه به نتایج تحقیق پیشنهادهای زیر در جهت زمینه‌سازی برای توزیع عادلانه‌تر درآمدها در فرآیند جهانی شدن برای کشورهای گروه دی هشت ارائه می‌شود.

۱- کاهش موانع بازرگانی خارجی (موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای) که باعث افزایش

درجه باز بودن اقتصاد کشورهای عضو می شوند.

۲- کاهش سطح فساد و جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی در سیستم دولتی از طریق بهبود فضای کسب و کار، خصوصی سازی و اصلاح قوانین مرتبط با آنها (بازنگری برخی قوانین کار، اصلاح قوانین مرتبط با تشکلهای کارگری و کارفرمایی، کاهش زمان و هزینه مربوط به بخشهای مختلف راه اندازی فرآیند کسب و کار و ...).

۳- اجرای سیاست‌های مناسب پولی، مالی و ارزی در راستای کنترل تورم.

۴- اتخاذ سیاست‌های صحیح در زمینه مدیریت نیروی انسانی و تقویت ارتباط با بنگاه‌های اقتصادی در جهت شناسایی نیازهای مهارتی و همچنین افزایش آموزش‌های متناسب با بنیان‌های اقتصاد دانش محور.

۵- افزایش میزان و نرخ رشد تولید ناخالص ملی از طریق حذف موانع سرمایه گذاری و نیز ارتقای قدرت رقابت پذیری محصولات تولیدی.

منابع

احمدی، محمدعلی و نادر مهرگان، (۱۳۸۵)؛ "تأثیر سیاست‌های تعدیل اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران"، *مجله تحقیقات اقتصادی ایران*، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، شماره ۷۰، صص ۲۰۹-۲۳۲

سهرابی، حمید و مدیک سلمانی آقاجانزاده، (۱۳۷۰)؛ مطالعه تطبیقی موضوع درآمد و هزینه‌ها در مناطق شهری ایران، سازمان برنامه و بودجه.

جعفری صمیمی، احمد، (۱۳۷۱)؛ اقتصاد بخش عمومی ۲، چاپ اول، انتشارات سمت. مالک، محمدمهدی، جهانی شدن اقتصاد از رویا تا واقعیت، انتشارات کانون اندیشه جوان، اردیبهشت ۱۳۸۴

ناجی میدانی، علی اکبر، (۱۳۸۲)؛ آثار جهانی شدن اقتصاد بر رشد، اشتغال و توزیع درآمد در ایران، پایان‌نامه دوره دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.

نجاتی محرمی، زهرا، (۱۳۸۵)؛ بررسی آثار آزادسازی تجاری بر نابرابری دستمزد در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد- دانشگاه تربیت مدرس.

نیلی، مسعود و علی فرح بخش، (۱۳۷۲)؛ "ارتباط رشد اقتصادی و توزیع درآمد"، *مجله برنامه و بودجه*، شماره ۳۴ و ۳۵، صص ۱۵۴-۱۲۱.

Benabou, Roland, (1994); "Education, Income Distribution, and Growth: The Local Connection", *Cambridge, Mass, National Bureau of Economic Research, Working Paper 4798*.

Bhasin, V.K. (2005); "Trade Liberalization, Remittances, Poverty and Income Distribution of Household in Ghana", *Econometrics Modeling Conference*.

Bigsten, A. Durevall, Dick. (2005); "Openness and Wage Inequality in Kenya", *World Development*, Vol. 34, No.3, pp. 456-480.

Budd, Edward. C, and Seiders, David. F, (2004); "The Impact of Inflation on the Distribution of Income and Wealth", *The American Economic*

Review, Vol.61, pp.128-138.

Colin Lixin XU, Heng-fu ZOU, (2000); "Explaining the Changes of Income Distribution in China", *China Economic Review*, 11, pp. 149-170.

Epstein. Philip, Howlett. Peter, Schulze. Max-Stephan, (2007); "Trade, Convergence, and Globalization: The Dynamics of the International Income distribution", *Explorations in Economic history* 44, pp. 100-113.

Kuznets. S, (1995); "Economic Growth and Income Inequality", *The American Economic Review* 45, pp. 1-28

Lambdsdorff, Johann Graf, (2001); "How Corruption in Government Affects Public Welfare", *A Review of Theories*, Paper prepared for the Center for Globalization and Europeanization of the Economy, Gottingen, Germany.

Lee Jong-Eun, (2006); "Inequality and Globalization in Europe", *Journal of Policy Modeling* 28, pp. 791-796.

Mah, Jai.S. (2003); "A Note on Globalization and Income Distribution: the Case of Korea, 1975-1995", *Journal of Asian Economics*. No, 14. PP 157-164

Masee, Philipp. (1997); "Trade, Employment and Wages", *A Review of the Literature*, P.213, <http://www.dfait-maecci.gc.ca/eet/pdf/o9/-en.pdf>

Milanovic, Branko, (2003); "Can We Discern the Effect of Globalization on Income Distribution?", *world Bank*, Washington, development research group, pp.1-34.

Porto, Guido G, (2003); "Using Survey Data to Assess the Distributional Effects of Trade Policy", *Mimeo the world Bank (April)*.

Savvides, Andreas, (1998); "Trade Policy and Income Inequality: New Evidence", *Economics Letters* 61, pp 365-372

Spilimbergo. A, Londono. J.L, Szekely.M, (1999); "Income Distribution, Factor Endowments, and Trade Openness", *Journal of Development Economics*, Vol. 59, pp. 77-101.

Stolper. W, and Samuelson. P, (1941); “Protection and Real Wages”, *Review of Economic Studies*, 9, pp. 58-73.

Toan, N.M., (2004); “The Effect of Trade Liberalization on Income Distribution in Vietnam: Dynamic Computable General Equilibrium Approach”, *Economic Development and Policies Department*.

Wei, Shang Jin and Wu, Yi, (2002); *Globalization and Inequality: Evidence from Intra-China*.

Wolff Edwards. N, (2000); “Trade and Inequality”, A Review of the Literature; May, P. 8.

World Development Indicator, Washington, D. C., USA, 2006.

www.heritage.org.